

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تکثیر از: یونس نگاه
۰۴ جون ۲۰۲۲

Sami Darayi

Yesterday at 4:32 AM

[دلایل اختلاف بین انجنیر احمدشاه احمدزی و استاد سیاف!]



از قلم مرحوم وحید مژده:

انجنیر احمدشاه احمدزی روزگاری از دوستان نزدیک استاد سیاف بود به حدی که استاد بعد از این که تنظیم اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان را به وجود آورد، وی را به حیث معاون خود برگزید. انجنیر احمدشاه در حکومت استادربانی به نمایندگی از تنظیم استاد سیاف حتی در مقام صدراعظم نیز ایفای وظیفه نمود. اما مشکل استاد با این شخص چگونه به میان آمد و روابط چرا تیره شد؟ برای روشن شدن حقایق به دورانی برمی گردیم که دولت داکتر نجیب الله سرنگون شد و حکومت مجاهدین در کابل به میان آمد. در آن زمان در پیشاور تعداد زیادی از

مجاهدین عرب با خانواده های شان زندگی می کردند که به اشاره امریکا، تحت فشار پاکستان قرار داشتند. کشور های متبوع این افراد نیز حاضر به پذیرفتن آنان نبودند زیرا نمی خواستند تا تجربه جهاد افغانستان به کشور های نفت خیز عرب منتقل گردد.

نماینده هایی از مجاهدین عرب نزد استاد سیاف رفتند و گفتند که به دلیل سهم گیری در جهاد افغانستان، جز در این کشور، در هیچ جای دیگر دنیا پناهمگاهی برای ما وجود ندارد بنابراین می خواهیم در افغانستان که به خاطرش در کنار شما قربانی دادیم، زندگی کنیم. سیاف به آنان وعده داد که از استاد ربانی خواهد خواست تا به آنها تابعیت افغانستان بدهد و این کار نیز صورت گرفت. استاد ربانی به انجنیر احمدشاه که وزیر داخله بود دستور داد تا به تعداد زیادی از این افراد تذکره تابعیت افغانستان بدهد.

تعدادی از این افراد تقاضا داشتند تا در کابل خانه بخرند. استاد سیاف به آنها گفت که پول های خود را از طریق انجنیر بشیر به انجنیر احمدشاه بفرستند. این عرب ها ملکیت های خود را در کشور های خودشان فروختند و پول آن را به پیشاور انتقال دادند. انجنیر احمدشاه در آن زمان تعدادی خانه در کابل برای این افراد خریداری کرد و در نتیجه شایع شد که انجنیر احمدشاه در کابل دهها خانه برای خود خریداری کرده است.

با به قدرت رسیدن طالبان در کابل، انجنیر احمدشاه به خارج از کشور و استاد سیاف به شمال افغانستان رفتند تا این که سرانجام دولت طالبان سرنگون شد و هردو به کابل برگشتند. بعد از مدتی استاد سیاف از انجنیر احمدشاه خواست تا تمام این خانه ها را که با پول عربها خریداری شده و قباله هایش به نام انجنیر احمدشاه بود به وی تحویل دهد. انجنیر احمدشاه به وی گفت که این خانه ها ملکیت شخصی مجاهدین عرب است که در کنار ما جهاد کردند اما استاد گفت که مالکان این خانه ها همه تروریست اند و اگر به افغانستان بیایند، باید دستگیر شده و به امریکا سپرده شوند.

انجنیر احمدشاه حاضر شد تا این ملکیت ها را با سیاف نصف نماید اما جناب استاد استدلال می کرد که من تو را به عرب ها معرفی کرده بودم و آنها با اطمینان من به تو پول دادند بنابراین تمام این خانه ها متعلق به من است.

این کشمکش چند سال به طول انجامید تا این که یک جرگه از هر دو جانب صلاحیت گرفت و فیصله نمود که استاد از میان این خانه ها سهم خود را به شکل دلخواه انتخاب نماید. استاد خانه هائی را که در موقعیت های خوب شهر کابل قرار داشتند برای خود انتخاب کرد اما باز هم از این فیصله راضی نیست زیرا فکر می کند که بعضی ملکیت های دیگر از جمله خانه شخصی انجنیر احمدشاه در وزیراکبرخان هم با پول اسامه بن لادن بعد از بازگشت وی از سودان خریداری شده و باید به جناب استاد داده شود. به همین دلیل اکنون استاد از راه های مختلف انجنیر احمدشاه را زیر فشار قرار می دهد تا این خانه را هم به دست آورد.

باری اشاره استاد به نوشته شدن اعلامیه های داعش و القاعده در وزیراکبرخان اشاره به همین خانه داشت!